

مراقب شرکت های نظافتی وقلیشویی غیرمجاز باشید

هشدار
گروه حوادث / همزمان با فرا رسیدن روزهای پایانی سال، پلیس درباره سرقت و کلاهبرداری در پوشش شرکت های خدماتی هشدار داد.

سرهنگ «شهاب امینی» رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی ناجا در این باره اظهار داشت: همزمان با روزهای پایانی سال و با توجه به اینکه مردم نیازمند خدمات نظافتی خانه و اداره هستند توزیع آگهی های تبلیغاتی گسترده در سطح شهر و ارسال پیامک های فریبنده، ممکن است دامی برای کلاهبرداری و سرقت اموال هموطنان باشد.

این شرکت های صوری و جعلی بدون مجوز در ابتدا اعتماد مردم را از طریق درج آگهی به خود جلب کرده و پس از دستیابی به اهداف شوم خود، متواری می شوند. رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی ناجا با بیان اینکه شهروندان می بایست قبل از سپردن اموال خود به دیگران، تحقیقات لازم را به عمل آورند، بیان کرد: شرکت های معتبر و دارای پروانه خدمات از طریق استعلام از اتحادیه های مربوطه قابل شناسایی و پیگیری بوده و معمولاً با مراجعه به سایت مربوطه با روزنامه رسمی، می توان نسبت به درستی ادعای مطرح شده پی برد. شهروندان هنگام مراجعه نمایندگان یا کارگران شرکت های خدماتی دقت کنند و علاوه بر درخواست کارت شناسایی، مشخصات ظاهری افراد و شماره پلاک خودرو آنان را یادداشت کنند تا در صورت بروز مشکلات احتمالی، پلیس بتواند مجرمان را در اسرع وقت شناسایی و دستگیر کند.

■ **کلاهبرداری باتورهای مسافرتی**

فروش تورهای مسافرتی با قیمت ارزان از سایت های نامعتبر نیز ترند ی برای کلاهبرداری از مسافران است.

سرهنگ تورج کاظمی رئیس پلیس فتای پایتخت در این باره گفت: با توجه به ایام پایانی سال و استقبال شهروندان از سفرهای نوروزی، شرکت های گردشگری در حال تبلیغات وسیع و گسترده برای تورهای مسافرتی خود هستند و افراد سودجو نیز از همین طریق کلاهبرداری می کنند که یکی از ترندها فروش بلیت از طریق سایت های اینترنتی تقلبی و شبکه های اجتماعی است. زیرا کاربران اینترنتی برای خرید بلیت نیاز به ثبت اطلاعات شخصی و بانکی داشته و از این رو کلاهبرداران با ساخت درگاه جعلی در شبکه های اجتماعی دست به کلاهبرداری می زنند.

افراد برای در امان ماندن از این گونه کلاهبرداری ها باید به آدرس صفحه در قسمت آدرس درگاه URL توجه کنند و به سایت هایی مراجعه کنند که از پروتکل https برای انتقال داده ها استفاده می کنند. یکی دیگر از ترندهای کلاهبرداران در این زمینه فروش بسته ها و تورهای مسافرتی با قیمتی بسیار پایین ولی با کیفیت است که این امر فقط برای اغفال مشتریان بوده و هنگامی که مسافران راهی مقصد می شوند تازه در می یابند که این تبلیغات کذب بوده و دچار مشکلات زیادی می شوند. بنابراین توصیه می شود مردم تورها و خدمات آنها را از مراکزی که مجوز از سازمان گردشگری دارند، تهیه کنند.

درخواست اعسار قاتلی که پسرش را کشت

اخبار
گروه حوادث/ مرد میانسالی که در یک درگیری خانوادگی پسر جوانش را کشته و به پرداخت دیه و زندان محکوم شده بود با درخواست اعسار خواهان تقسیط مبلغ دیه شد.

به گزارش «ایران»، صبح دیروز این مرد ۵۵ ساله که از زندان به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران منتقل شده بود به قاضی گفت: من ۱۰ سال است که به جرم قتل پسرم در زندان هستم. زمستان سال ۸۹ بود روز حادثه از سرکار به خانه برگشتم پسر ۱۹ ساله ما لباس راحتی در آشپزخانه مقابل مادرش نشسته بود. با دیدن او در آن وضعیت عصبانی شدم و گفتم چرا با این سرووضع جلوی مادر ت نشستهای خجالت نمیکنی؟ اما پسرم با بی احترامی جوابم را داد و گفت: به تو مربوط نیست. از این حرفش بیشتر عصبی شدم و کتکش زدم در همین موقع پسرم با چاقوی میوه خوری به من حمله کرد من هم کارد آشپزخانه را برداشتم و دوضربه به او زدم. همسرم که شاهد این درگیری بود در حالی که باورش نمی شد من پسرمان را زده باشم به طرف من حمله کرد که او را هم منجروح کردم. وقتی امدادگران اورژانس و مأموران پلیس رسیدند پسرم مرده بود.

بعد از دستگیری و محاکمه در دادگاه همسرم به جرم قتل پسرمان درخواست دیه کرد. قضات هم مرابو ۱۰ سال حبس و پرداخت دیه محکوم کردند. حالا که حبسم تمام شده چون توانایی پرداخت دیه را ندارم باید بلا تکلیف در زندان بمانم اما امروز به اینجا آمدم اما تا درخواست اعسار دهم و اگر بشود مبلغ دیه را برابرم تقسیط کنند یا اینکه آزادم کنید که بتوانم کار کنم و پول بدارم. بدین ترتیب قضات پس از شنیدن اظهارات منم برای تصمیم گیری درباره وی راه شور شدند.

سقف پمپ بنزین فرو ریخت



گروه حوادث/سقف جایگاه پمپ بنزین در شهر قلعه رئیسی بر اثر یک حادثه روی خودروها آوار شد.

به گزارش فارس، این حادثه صبح دیروز در پمپ بنزین قلعه رئیسی در بخش چاروسا شهرستان کهگیلویه در حالی رخ داد که یک دستگاه کامیون برای سوختگیری وارد جایگاه شد اما با پایانه های پمپ بنزین برخورد کرده و ناگهان سقف آن فرو ریخت. برائثر این حادثه دو دستگاه پراید که در حال سوختگیری بودند نیز زیر سقف ماندند و آسیب دیدند.

شکایت از ناپیدی به اتهام تعرض

گروه حوادث/ناپیدی شرور که به دختر جوان همسرش تعرض کرده بود به دستور قضات دادگاه کیفری بازداشت شد.

به گزارش «ایران»، این دختر ۱۹ ساله که صبح دیروز به شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران مراجعه کرده بود در تشریح ماجرا گفت: ۱۰ سال قبل پدر و مادرم از هم طلاق گرفتند من با پدرم زندگی می کردم. گهگاهی هم به ملاقات مادرم می رفتم تا اینکه چند سال بعد مادرم ازدواج کرد و همراه همسرش به یکی از شهرهای شمالی کشور نقل مکان کردند. امسال وقتی در دانشگاه قبول شدم از پدرم خواستم اجازه دهد به دیدن مادرم بروم. وقتی به آنجا رفتم خیلی زود متوجه رفتارهای عجیب ناپدری ام شدم. او معتاد به شیشه بود و حس خوبی نسبت به او نداشتم. یک روز که مادرم در خانه نبود او به من پیشنهاد رفتاری ارتباط نامشروع داد که همان موقع به تهران برگشتم؛ اما چند روز بعد او به تهران و به خانه ما آمد. گفت از مادرم خبری آورده است آن روز پدرم در خانه نبود وقتی وارد خانه شد به من تعرض کرد. دختر جوان داد: اما، بلافاصله از او شکایت کردم و دستگیرش کردند؛ اما امروز در جلسه دادگاه منکر ماجرا شده است. در ادامه متهم گفت: این دختر دروغ می گوید. وقتی به خانه ما آمد مادرش قهر کرده و رفته بود. او خودش مرا به تهران دعوت کرد و برای این ارتباط تمایل داشت. پس از پایان جلسه دادگاه قضات متهم را بازداشت کردند و تا روشن شدن ابهامات پرونده وی روانه زندان شد.

■ پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۸
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۲۲۷۳

آزادی پدر بعد از ۲۵ سال

گروه حوادث - معصومه مرادپور/

مرد مکانیک که ۲۵ سال قبل دختر خردسالش را به قتل رسانده و به پرداخت دیه و ۱۰ سال زندان محکوم شده بود سرانجام با کمک مددکاران از زندان آزاد شد.

به گزارش «ایران»، روز ۲۲ مهر سال ۷۳ خبر مرگ مشکوک دختر بچه ای به نام فرشته در یکی از بیمارستان های کرج به پلیس گزارش شد. پدر فرشته که او را به بیمارستان رسانده بود در نخستین بررسی ها به قتل دخترش اعتراف کرد و گفت: دخترم را به حمام برده بودم اما او مدام گریه می کرد. من که از گریه هایش عصبی شده بودم برای اینکه ساکتش کنم دستم را جلوی دهانش گذاشتم اما او شروع به تولا کرد من هم از شدت ناراحتی او را به گوشه ای پرت کردم که سرش به دیوار

خورد و از هوش رفت.

دردادگاه چه گذشت؟

ناصر که مکانیک خودروهای سنگین بود پس از اعتراف به قتل دخترش بازداشت شد. او در جلسه دادگاه گفت: همسرم طلاق گرفته بود و دو فرزندم با من زندگی می کردند، روز حادثه دخترم را به حمام بردم خیلی گریه می کرد فقط می خواستم ساکتش کنم نمی خواستم آسیبی به او برسد اما حالا هم مستحق مرگ هستم. با رأی قضات دادگاه این مرد به پرداخت دیه و ۱۰ سال زندان محکوم شد.

با آنکه مدت محکومیت وی در زندان پایان یافت اما از آنجا که توانایی پرداخت دیه را نداشت ۱۵سال دیگر هم در زندان ماند تا اینکه سرانجام به همت مددکار شورای حل اختلاف زندان مرکزی کرج که برای جلب رضایت

گروه حوادث- مرجان همایونی/ تازه داماد که ۲۰ روز

قبل از مراسم ازدواجش عروس را در اتاقش به آتش کشیده بود انگیزه خود را از این جنایت زیاده خواهی همسرش عنوان کرد.

به گزارش «ایران»، ساعت ۱۲ ظهر جمعه گذشته بازپرس جنایی و مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت از آتش سوزی و مرگ مرزوم دختر جوانی در خانه اش باخبر شدند.

با اعلام این خبر، بازپرس واحدی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شده و در میان وسایل سوخته خانه جسد دختر جوان را روی تخت خواب دیدند. مأموران آتش نشانی، آتش سوزی را عمدی اعلام کرده بودند و از آنجایی که شواهد نشان می داد دختر جوان تلاشی برای رهایی از آتش نکرده بود، این احتمال مطرح شد که دختر جوان قبل از آتش سوزی یا به قتل رسیده یا بی هوش شده بود.

از آنجایی که در زمان وقوع حادثه همسر عقدی این دختر در پارکینگ همان خانه حضور داشت پسر جوان بازداشت شد. علی گودرزی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت در این باره گفت: چند روز پس از بازداشت این پسر، وی به قتل همسرش

اعتراف کرد.

متهم که دکنرای رشته آی تی دارد در رابطه با انگیزه اش از این جنایت به خبرنگار «ایران» گفت: تصمیم به قتل نداشتم در یک لحظه این فکر به ذهنم رسید. یک تکه سیم برداشتم و یک سرش را به برق و سر دیگرش را هم به بدن همسرم که روی تخت خوابیده بود وصل کردم. برق او را گرفت و فوت کرد. بعد هم کبریت کشیدیم و اتاق خواب را آتش زدم و خودم به انباری رفتم و مشغول کار شدم.

باهمسرت چطور آشناشدی؟

هر دوی ما سال ۸۵ در یک دانشگاه درس می خواندیم. از دانشگاه باهم دوست شدیم و ۴ سال قبل او به عقدم درآمد. از آنجایی که خانواده ام در شهرستان بودند این مدت را من در خانه همسرم زندگی می کردم.

چرا اورا کشتی؟

از دستش خسته شده بودم. خیلی زیاده خواه بود. خانه ای که داشتم را به نامش کردم اما او می خواست ماشینم را هم به نامش کنم و برایش عروسی مجللی بگیرم. توقع سفرهای خارجی داشت و کارهایی که از عهده من بر نمی آمد. آن روز هم سر همین مساله

اولیای دم تلاش فراوانی را انجام داد بعد از ۲۵ سال این زندانی آزاد شد.

اگرپسر- مددکار شورای حل

اختلاف زندان- دراین باره گفت: این مرد به خاطر ۸۰ میلیون تومان سال ها در زندان بلا تکلیف مانده بود او به خاطر جرمی که مرتکب شده بود از افسردگی شدیدی رنج می برد، منزوی شده و با کسی حرف نمی زد. به حدی که بعد از ۲۵ سال تا حد زیادی قدرت تکلم خود را از دست داده است.

سرانجام پس از بررسی وضعیت این زندانی و شرایط جسمی و روحی وی قاضی نیرمانی رئیس شعبه ششم اجرای احکام دادگستری استان البرز مقدمات برگزاری جلسه صلح و سازش با اولیای دم را فراهم کرد. در این جلسه سرانجام با شناسایی اولیای دم پرونده که مادر و برادر



باهم درگیر شدیم.

چرا اورا طلاق ندادی؟

دوستش داشتم الان هم خیلی پشیمانم.

www.iran-newspaper.com

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ - ۸۸۷۶۱۶۲۱



کودکان از همان کودکی باید این مهم را آموزش ببینند، بسیاری از جنایات هایی که حتی تصورش برای آدمی غیرممکن است در پس کنترل نکردن خشم اتفاق می افتد.

بی تردید می توان با یک مشاوره ساده و آموزش مناسب این موضوع را کنترل کرد.

که به خاطر جدایی از همسرش داشته است نتوانسته درمقابل گریه یک کودک تاب بیورد و دست به ارتکاب عملی ناخواسته زده است.

کنترل خشم نکته ای است که در جریان زندگی امروز و مراودات اجتماعی و خانوادگی بیش از پیش به آن نیاز داریم.

مرگ هنگام

فرار از خانه زن ماساژور

گروه حوادث/ مرد جوان که به خانه زن ماساژور رفته بود برای فرار از دست پلیس از بالکن سقوط کرد و جان باخت. به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۴:۲۲ بعداز ظهر ۱۵ بهمن سقوط مرگبار مرد جوانی از طبقه هشتم بالکن یک برج در خیابان جردن به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.

با شروع تحقیقات و در بررسی های صورت گرفته مشخص شد از مدتی قبل به مأموران پلیس امنیت اخلاقی خبر رسیده بود که زنی به نام پری در فضای مجازی تبلیغ کرده و خدمات ماساژ در خانه اش ارائه می دهد. اما در تحقیقات بیشتر دریافتند وی خانه اش را در طبقه هشتم یک برج به مرکز فساد تبدیل کرده است.

بدین ترتیب یکی از مأموران پلیس امنیت برای بررسی ماجرا و بازداشت این زن وارد خانه وی شد و با اطمینان از صحت این موضوع از همکاری اش خواست وارد خانه شوند. در بازرسی اتاق ها نیز مشخص شد در یکی از اتاق ها قفل است. هنگامی که مأموران قصد ورود به اتاق را داشتند صدای مهیبی شنیدند و به محض ورود به اتاق متوجه شدند که یکی از مشتری های وی که مرد جوانی بود سعی داشت از بالکن طبقه هشتم فرار کند که تعدادش را از دست داده و سقوط کرده بود.

به دستور بازپرس جنایی تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

هستیم.

مالباخته دیگری که خانه اش در تاریخ ۲۰ دی ماه در منطقه شهرقدس سرقت شده، عنوان کرد:

ما حدود ساعت ۱۲ شب به خانه آمديم که در این فاصله ۳ سارق با ورود به منزل مان که در طبقه پنجم یک مجتمع است، بیش از ۳۰۰ میلیون تومان طلا و جواهرات ۲ دخترم که در آستانه ازدواج بودند و همین طور طلاهای همسرم را سرقت کرده بودند.

وی افزود: البته چند دقیقه قبل از آنکه ما به خانه برگردیم همسایه مان متوجه حضور سارقان شده و درگیری بین آنها رخ داده بود و یکی از آنها با تهدید قمه او را مجبور به سکوت کرده بود و بعد هم از محل متواری شده بودند. البته

که یک سارق را دستگیر کرده ایم و سارقان را شناسایی و مأموران هم یکی از سارقان را دستگیر کردند، اما هنوز ما به اموال مان نرسیده ایم و در

حال تحقیق هستند تا مشخص شود سرقت از خانه های دیگر نیز کار او بوده است یا خیر.

مالباخته دیگری که ساکن قلعه حسن خان است و ۲۰ روز قبل خانه اش مورد دستبرد قرار گرفته، گفت: حدود ساعت ۱۰ شب به خانه برگشتیم که متوجه شدیم از منزل مان سرقت شده است. سارق حدود ۳۰ میلیون تومان پول و تلویزیون، لپ تاپ و سیستم صوتی با خودش برده بود.

با توجه به گلايه مالباخته ها از کنديبود روند رسیدگی به پرونده هایشان با سرهنگ مهدی سرپناه رئیس معاونت اجتماعی غرب استان تهران گفت وگویی انجام دادیم.

■ **هیچ مأموری حق تخطی از وظایف ذاتی پلیس را ندارد**

سرهنگ سرپناه گفت: وظیفه ذاتی نیروی انتظامی حفاظت از جان، مال و امنیت آحاد جامعه است خودمان از خانواده های فقیری بودیم. فقط از پولدارها سرفت می کردیم چرا که اگر آنها یی که پولدار هستند به بی پول ها کمک کنند اوضاع به اینجا نمی رسد.

شگرد سرقتان چه بود؟

ما سه دوست بودیم که تصمیم گرفتیم این کار را انجام دهیم. یکی از ما مالباخته را سرگرم می کرد. نفر دوم به او تنه می زد و وسوسین نفر، کیف را سرقت می کرد.

چند سال داری؟

۲۳ ساله هستم و سابقه هم ندارم.

اما از آدم های فقیر سرقت نمی کردیم. چون خودمان از خانواده های فقیری بودیم. فقط از پولدارها سرفت می کردیم چرا که اگر آنها یی که پولدار هستند به بی پول ها کمک کنند اوضاع به اینجا نمی رسد.

